

کتاب الإيلاء

کتاب ایلاء¹

والنظر في أمور أربعة:

چهار مورد به این مبحث مربوط می شود:

الأول: في الصيغة

اول: صيغه

ولا ينعقد الإيلاء إلا بأسماء الله تعالى مع التلطف، ويقع بكل لسان مع القصد إليه. واللفظ الصريح: "والله لا أدخلت فرجي في فرجك"، أو يأتي باللفظة المختصة بهذا الفعل، أو ما يدل عليها صريحاً.

ایلاء تنها با بردن نام های خداوند متعال منعقد می شود، و با هر زبانی -اگر همراه با قصد باشد- محقق می گردد. لفظ صریح آن اینگونه می باشد: (والله لا أدخلت فرجي في فرجك) (به خدا قسم فرجم را در فرجت قرار نمی دهم) یا لفظی را بیاورد که مختص این فعل باشد، یا به طور واضح به آن دلالت کند.

والمحتمل كقوله: لا جامعتك أو لا وطأتك، فإن قصد الإيلاء صح. ولا يقع مع تجرده عن النية. ولو قال: لا أجمع رأسي ورأسك في بيت أو مخدة، أو لا ساقفتك، يقع مع القصد. ولو قال: لا جامعتك في دبرك لم يكن مولياً.

الفاظی که احتمال آن را می دهند (مانند با تو جماع نمی کنم یا نزدیکی نمی کنم) اگر همراه با قصد ایلاء باشد صحیح است، و اگر قصد آن را نداشته باشد، ایلاء واقع نمی شود.

اگر بگوید: سر من و تو در یک خانه یا بالش جمع نمی شود، یا با تو زیر یک سقف نمی مانم، اگر همراه با قصد باشد، ایلاء محسوب می شود، و اگر بگوید: دیگر از عقب با تو نزدیکی نمی کنم، ایلاء محقق نمی شود.

ويشترط تجريد الإيلاء عن الشرط، فلو علقه بشرط، أو زمان متوقع كان لاغياً.

1- یعنی مرد قسم بخورد که با همسرش نزدیکی نکند. (مترجم)

ایلاء باید بدون شرط باشد؛ پس اگر به شرط یا زمانی که انتظار آن می‌رود مشروط شده باشد، باطل است (ایلاء واقع نمی‌شود).

ولو حلف بالعتاق أن لا يطأها، أو بالصدقة، أو بالتحريم لم يقع ولو قصد الإيلاء. ولو قال: إن أصبتك، فعليّ كذا، لم يكن إيلاء.

اگر مرد قسم بخورد که با آزاد کردن بنده‌ای نزدیکی نکند، یا صدقه بدهد یا زن بر او حرام شود، ایلاء واقع نمی‌شود، حتی اگر قصد آن را داشته باشد.
اگر بگوید: اگر با تو نزدیکی کردم بر من فلان چیز است، ایلاء محسوب نمی‌شود.

ولو ألى من زوجة، وقال للأخرى: شركتك معها لم يقع بالثانية ولو نواه، إذ لا إيلاء إلا مع النطق باسم الله. ولا يقع إلا في إضرار، فلو حلف لصالح اللبن، أو لتدبير في مرض لم يكن له حكم الإيلاء، وكان كالإيمان.

اگر با زنش ایلاء کند و به زن دیگر بگوید: تو را نیز با او شریک کردم، ایلاء زن دوم واقع نمی‌شود، حتی اگر قصد آن را داشته باشد؛ زیرا ایلاء محقق نمی‌شود مگر با بردن نام خداوند.
ایلاء اگر فقط برای آسیب رسانیدن به زن باشد، واقع می‌شود؛ پس اگر قسم بخورد که چون تو بچه شیر می‌دهی با تو جماع نمی‌کنم، یا برای خوب شدن از مریضی با تو نزدیکی نمی‌کنم، حکم ایلاء را ندارد و مانند قسم می‌باشد.

الثاني: في المولى

دوم: ایلاء کننده

ويعتبر فيه: البلوغ، وكمال العقل، والاختيار، والقصد. ويصح من المملوك، حرة كانت زوجته أو أمة، ومن الكتابي ومن الخصي، ويصح من المجبوب.

لازم است ایلاء کننده: بالغ، دارای عقل سالم، و اختیار و با قصد و نیت باشد. ایلاء کردن غلام -چه زنش آزاد باشد و چه بنده- صحیح است. همچنین ایلاء کننده می‌تواند اهل کتاب، یا مرد اخته یا خواجه، باشد.

الثالث: في المولى منها

سوم: زنى كه ايلاء شده است

ويشترط: أن تكون منكوحة بالعقد لا بالملك، وأن تكون مدخولاً بها. ويقع بالمنكوحة بالعقد المنقطع. ويقع بالحرّة والمملوكّة.

لازم است با عقد (دائم يا موقت) همسر او باشد، و شخص نمى تواند كنيز خود را ايلاء كند، و بايد با آن زن نزديكى كرده باشد. مرد مى تواند همسر موقت خود را ايلاء كند، و زن مى تواند آزاد يا كنيز⁽²⁾ باشد.

والمرافعة إلى المرأة لضرب المدة، ولها بعد انقضائها المطالبة بالفئة ولو كانت أمة، ولا اعتراض للمولى. ويقع الايلاء بالكتابية كما يقع بالمسلمة.

زن حق دارد به حاكم رجوع كند تا مدتی را برای او معين كند و بعد از اتمام آن مى تواند بازگشت مرد را خواستار شود. حتى اگر كنيز باشد. و صاحبش حق اعتراض ندارد. ايلاء بر زن غير مسلماني كه مى تواند به عقد درآيد نيز واقع مى شود، به همان صورت كه بر زن مسلمان واقع مى شود.

2- مثلاً هنگامی كه كنیزی را به عقد خود درآورده باشد. (مترجم)